

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

فرستنده: عنایت و همين
۱۵ فبروری ۲۰۱۴

این مردهای غمگین نازنین !

یادداشت فرستنده: این نوشته رو از وبلاگ خام الهام برداشتم، به نظرم خیلی جالبه و از یک خام بعید !

یک وقت هائی فکر می کنم مرد بودن چقدر می تواند غمگین باشد. هیچ کس از دنیای مردانه ... نمی گوید. هیچ کس از حقوق مردان دفاع نمی کند. هیچ انجمنی با پسوند «... مردان» خاص نمی شود. مرد ها نمادی مثل رنگ صورتی ندارند. این روز ها همه یک بلند گو دست گرفته اند و از حقوق و دردها و دنیای زنان می گویند. در حالی که حق و درد و دنیای هر زنی یکی از همین مردها است. یکی از همین مردهائی که دوستان دارند. وقتی می خواهند حرف خاصی بزنند هول می شوند. حتی همان مرد هائی که دوستان داشتند ولی رفتند...

یکی از همین مرد های همیشه خسته. از همین هائی که از ۱۸ سالگی دویدن را شروع می کنند. و مدام باید عقب باشند. مدام باید حرص رسیدن به چیزی را بخورند. سربازی، کار، در آمد، تحصیل... همه از مرد ها همه توقعی دارند. باید تحصیل کرده باشند. پولدار، خوشتیپ، قد بلند، خوش اخلاق، قوی... و خدا نکند یکی از اینها نباشند...

ما هم برای خودمان خوشیم! مثلاً از مردی که صبح تا شب برای در آمد بیشتر برای فراهم کردن یک زندگی خوب برای ما که عشقشمان باشیم به قولی سگ دو می زند، توقع داریم که شبش بیاید زیر پنجره مان ویلون بزند و از مردی که زیر پنجره مان ویلون می زند توقع داریم که عضو ارشد هیأت مدیره شرکت واردات رادیاتور باشد. توقع داریم همزمان دوستان داشته باشند، زندگی مان را تأمین کنند، صبور باشند و دلداریمان بدهند، خوب کار کنند و همیشه بوی خوب بدهند و زود به زود سلمانی بروند و غذاهای بد مزه ما را با اشتیاق بخورند و با ما مهمانی هائی که دوست داریم بیایند و هر کسی را که ما دوست داریم دوست داشته باشند و دوست های دوران مجردی شان را فراموش کنند و «نان ستاپ»- بدون توقف- توی جمع قربان صدقه مان بروند و هیچ زن زیباتری را اصلاً نبینند و حتی یک نخ هم سیگار نکشند!

مرد ها دنیای غمگین صبورانه ای دارند. بیایید قبول کنیم. مرد ها صبرشان از ما بیشتر است. وقت هائی که داد می زنند وقت هائی هم که توی خیابان دست به یقه می شوند وقت هائی که چکشان پاس نمی شود وقت هائی که جواب اس. ام. اس. شب به خیر را نمی دهند وقت هائی که عرق کرده اند وقت هائی که کفششان کثیف است تمام این وقت ها خسته اند و کمی غمگین و ما موجودات کوچک شگفت انگیز غرغروی بی طاقت را دوست دارند. دوستان دارند و ما همیشه فکر می کنیم که نکند من را برای خودم نمی خواهد برای زیبایی ام می خواهد، نکند من را برای شب هایش می خواهد؟

نکند من را برای چال روی لیم می خواهد؟ در حالی که دوستان دارند؛ ساده و منطقی... مرد ها همه دنیایشان همین طوری است. ساده و منطقی... درست به عکس دنیای ما.

بیانید بس کنیم. بیانید میکرفون ها و تابلو های اعتراضی مان را کنار بگذاریم. من فکر می کنم مرد ها، واقعاً مرد ها، انقدر ها که نشان می دهیم، بد نیستند. مردها احتمالاً دلشان زنی می خواهد که کنارش آرامش داشته باشند. فقط همین. کمی آرامش در ازای همه فشار ها و استرس هائی که برای خوشبخت کردن ما تحمل می کنند. کمی آرامش در ازای قصر رؤیائی که ما طلب می کنیم... خلاف زندگی پر دغدغه ای که دارند، تعریف مردها از خوشبختی خیلی ساده است.